



چکیده

پژوهش حاضر با بررسی و ارزیابی رفتارهای دانش‌آموزان در هنرستان‌های کاردانش، به چگونگی و چرایی ناسازگاری و پرخاشگری آنان می‌پردازد. همچنین تأثیر عواملی چون خانواده و اجتماع را سنجیده است. روش مورد استفاده توصیفی - تحلیلی و گردآوری مطالب به شیوه کتابخانه‌ای بوده است. نظرات دانش‌آموزان، سنجش و ارزیابی هنرآموزان، معاونان و مدیر که از نزدیک با این‌گونه مسائل درگیر بوده‌اند، در تحلیل‌های انجام گرفته، مؤثر بوده است. این پژوهش با استفاده از پرونده دانش‌آموزان، پرسش‌نامه حاوی سؤالات باز پاسخ و مصاحبه با افراد ذکر شده، انجام گرفت. نتایج این پژوهش بیانگر آن است که بیشترین علت ناسازگاری در هنرستان‌های کاردانش در ابتدا از انگیزه نداشتن دانش‌آموزان (با ۸۹ درصد) و خانواده‌ها (با ۸۲ درصد) نشئت می‌گیرد و سپس عملکرد معلمان و نظام آموزشی (با ۷۶ درصد) در این ناسازگاری تأثیرگذار است.

بررسی عوامل ناسازگاری هنرجویان در هنرستان‌های کاردانش

مقدمه

هر انسان برای زیستن در کنار هم‌نوع خود به سازگاری با محیط پیرامونش نیاز دارد. هر انسان هوشیارانه یا ناهوشیارانه می‌کوشد نیازهای متنوع و گاه متعارض خود را در محیطی که در آن زندگی می‌کند، برآورده سازد. سازگاری در اجتماع جریانی است که به وسیله آن روابط میان افراد، گروه‌ها و عناصر فرهنگی در وضع رضایت‌بخش قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، روابط میان افراد و گروه‌های مختلف جامعه به گونه‌ای برقرار شود که رضایت متقابل آن‌ها را فراهم سازد. در این سازگاری عواملی چون شیوه‌های تربیتی، عوامل آموزشی، ارزش‌ها و اعتقادات حاکم، هم‌سالان، خانواده و آموزش و پرورش مؤثر است [آذین و موسوی، ۱۳۹۰: ۱۸۶]. این سازش با تفکری صحیح در نظام آموزشی به وجود خواهد آمد که معلمان در کنار خانواده یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین عوامل شکل‌گیری این سازش در فرد هستند.

یکی از دغدغه‌های نظام آموزشی و تربیتی ناسازگاری دانش‌آموزان در بحرانی‌ترین مراحل شکل‌گیری شخصیتشان در دوره نوجوانی است. سرپیچی از قوانین و مقررات خانواده، و انجام اعمالی برخلاف موازین و ارزش‌های جامعه از جمله رفتارهای دانش‌آموزان ناسازگار است [آزه‌ای و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۱]. دور از انصاف است، دانش‌آموزی را که در مرحله نوجوانی در تعارض بین مدرسه و خانواده قرار می‌گیرد و به دلایل متفاوت در هماهنگی و ایجاد تناسبی بین این دو محیط، دچار سردرگمی می‌شود، به تنهایی در اعمال و رفتارهای ضداجتماعی مقصر دانست.

آقا و خانم کانتور بر این باورند که فرد برای موفق شدن در جامعه باید دارای رفتاری مناسب و درخور آن جامعه باشد [امیری، ۱۳۸۱: ۳۵]. در جامعه‌ای که چگونگی برخورد با ناسازگاری و گستاخی دانش‌آموزان یکی از معضلات آموزش و پرورش است، نگاه‌ها به عملکرد معلمان است و اجتناب از به‌کارگیری تنبیه، جریمه و اخراج دانش‌آموزان ناسازگار و قانون‌شکن از محیط درس - که جزئی از قوانین به‌شمار می‌آید - فشارهای زیادی را بر تعلیم و تربیت برای مهار این دانش‌آموزان ناسازگار وارد می‌کند. متأسفانه تاکنون راهکاری عملی و مؤثر برای برخورد با این دانش‌آموزان ارائه نشده است.

ضرورت پژوهش

کیسنر و کر معتقدند: اکثر رفتارهای انسان تابع چند عامل‌اند که مشکل رفتاری نوجوانان و جوانان نیز شامل آن می‌شود. می‌توان از خانواده و جامعه (هم‌سالان، بافت‌های فرهنگی و مدرسه) به‌عنوان عوامل تعیین‌کننده رفتار مشکل‌دار نوجوانان و جوانان نام برد [رجبی، چهاردولی و عطاری، ۱۳۸۶: ۱۱۴]. سازگاری و در رأس آن سازگاری اجتماعی مفهومی نسبی است و تحت تأثیر فرهنگ‌ها و اعتقادات از جامعه‌ای به جامعه دیگر فرق می‌کند. رفتار و شخصیت آدمی تحت تأثیر عوامل نام برده به کمال می‌رسد و باعث تعادل و تعامل مناسبی بین او و محیط پیرامونش خواهد شد. انسان موجودی انعطاف‌پذیر است و می‌تواند علاوه بر سازگاری با محیط، آن را بر طبق خواسته‌های خود تغییر دهد. در شکل‌گیری سازگاری اجتماعی عواملی چون شیوه‌های تربیتی، عوامل آموزشی، ارزش‌ها و اعتقادات، گروه هم‌سالان، خانواده و آموزش و پرورش مؤثرند [آذین و موسوی، ۱۳۹۰: ۱۸۵].

در سال‌های گذشته قوانین زیادی در حمایت از دانش‌آموزان به تصویب رسیده است. با تصویب این قوانین، تنبیه دانش‌آموز، درخواست معلم برای انجام تکالیف، جریمه و اخراج آن‌ها از مدرسه غیرقانونی شمرده می‌شود. آگاهی دانش‌آموزان از این قوانین، باعث پرخاشگری و ناسازگاری‌های بیشتر آنان و سلب اختیار عمل معلم شده است. در نتیجه این سؤالات پیش می‌آید:

● آیا خانواده‌ها در ناسازگاری دانش‌آموز نقش اساسی دارند؟

● نظام آموزشی و معلمان در برابر دانش‌آموزان ناسازگار و پرخاشگر چه راهکارهایی و اختیاراتی دارند؟

روش تحقیق و ابزار جمع‌آوری اطلاعات

پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و انجام مطالعات کتابخانه‌ای به بررسی و ارزیابی رفتارهای دانش‌آموزان ناسازگار و پرخاشگر در مدرسه‌های دخترانه پرداخت. این پژوهش با بررسی پرونده دانش‌آموزان و سنجش و ارزیابی هنرآموزان، معاونان و مدیر هنرستان دخترانه کار دانش نرگس در ناحیه ۴ اصفهان انجام گرفت. همچنین نظرات تعدادی از

کلیدواژه‌ها:

سازگاری اجتماعی، دانش‌آموزان ناسازگار، نظام آموزشی، خانواده

یکی از دغدغه‌های
نظام آموزشی و
تربیتی ناسازگاری
دانش‌آموزان در
بحرانی‌ترین
مراحل شکل‌گیری
شخصیتشان در دوره
نوجوانی است

آقا و خانم کانتور بر
این باورند که فرد
برای موفق شدن در
جامعه باید دارای
رفتاری مناسب و
درخور آن جامعه
باشد

بالا بردن راندمان و پایین آوردن افت تحصیلی دانش‌آموزان، دبیران خود را تحت فشار مضاعف قرار می‌دهند تا درصد قبولی کلاس را به هر شکل ممکن بالا ببرند. بسیاری از دانش‌آموزان با آگاهی از این موضوع انگیزه خود را برای کسب نمره از دست می‌دهند و به‌عنوان یک دانش‌آموز بی‌مسئولیت و طلبکار در مدرسه حضور پیدا می‌کنند.

۳. خانواده

در شکل‌گیری شخصیت اجتماعی دانش‌آموزان خانواده‌ها مؤثرترین نقش را دارند. در سال‌های اولیه تحصیل می‌توان با استفاده از قدرت بازدارندگی خانواده دانش‌آموزان ناسازگار را مهار کرد، اما متأسفانه این تکیه‌گاه با بالا رفتن پایه درسی دانش‌آموزان ناسازگار به سستی می‌گراید و چه‌بسا با نهایت تأسف باید پذیرفت که در برخی موارد، اصولاً خود خانواده سبب گستاخی و جسارت دانش‌آموز در مدرسه و اجتماع می‌شود. نوع برخورد والدین در خانواده و آداب تعلیم‌وتربیت است که می‌تواند گرایش نوجوانان به سوی هنجارهای اجتماعی را تقویت کند و یا اینکه مانع آن شود. متأسفانه بسیاری از مشکلات و ناسازگاری‌ها در مدرسه‌های کاردانش، از نبود خانواده مناسب و یا داشتن خانواده‌های بی‌تفاوت نسبت به رفتارهای فرزند خود حاصل می‌شود. خانواده‌ها به دلیل نداشتن شناخت کافی از رشته‌های مربوط و تأمین نکردن هزینه‌های مالی نمی‌توانند با فرزندان خود همکاری و هم‌پاری داشته باشند.

در مدرسه‌های دخترانه کاردانش، خانواده‌ها صرفاً برای دریافت یک دیپلم و طی مراحل نوجوانی تا رسیدن به سن ازدواج و برای فرار از ناسازگاری‌های فرزندشان در محیط منزل، او را رهسپار مدرسه می‌کنند و کمتر خانواده‌های را می‌بینیم که با شناخت و از روی آگاهی از رشته‌های فنی فرزندشان را به مدرسه کاردانش فرستاده باشند:

پس از بررسی سه عامل بالا که در ناسازگاری دانش‌آموزان کاردانش مؤثرند و به‌صورت پنهان با یکدیگر رابطه دارند، می‌توان این‌گونه بیان داشت که مؤثرترین عامل در ناسازگاری دانش‌آموزان ورود بدون انگیزه و علاقه به رشته‌های کاردانش (با ۸۹ درصد) است. دلگرمی بیش از اندازه دانش‌آموزان به خانواده‌ها و حمایت‌های بی‌مورد

والدین و دانش‌آموزان با استفاده از پرسش‌نامه حاوی سؤالات باز پاسخ و مصاحبه جمع‌آوری و ارزیابی شد.

ادبیات پژوهش

برای رفع مشکلات و ناسازگاری‌های دانش‌آموزان کاردانش، در مرتبه نخست شناخت عوامل تأثیرگذار در این ناسازگاری‌ها و در مرحله دوم ارائه راهکارهای مناسب می‌تواند اثربخش باشد.

الف) عوامل تأثیرگذار در گستاخ و ناسازگار بودن دانش‌آموزان کاردانش

عوامل بسیاری در شکل‌گیری گستاخی و ناسازگاری دانش‌آموزان کاردانش مؤثرند. از این رو می‌توان به اختصار به مواردی که در مدرسه‌های کاردانش باعث بالا رفتن ناسازگاری‌های دانش‌آموزان می‌شود، اشاره کرد. میزان تأثیرگذاری این موارد را در نمودار ۱ می‌توان مشاهده کرد.

۱. انگیزه نداشتن دانش‌آموز

یکی از دلایل ناسازگاری‌های دانش‌آموزان کاردانش، برخورداری از رتبه‌های درسی پایین و ثبت‌نام آنان بدون در نظر گرفتن استعدادهایشان در رشته‌های کاردانش است. از این‌رو دانش‌آموز بدون علاقه و انگیزه و از روی اجبار در کلاس حضور پیدا می‌کند و تحت‌فشارهای ناشی از انجام ندادن تکالیف و حجم کارهای عملی قرار می‌گیرد که این امر گستاخی و پرخاشگری دانش‌آموز را به دنبال خواهد داشت.

۲. عملکرد معلمان و نظام آموزشی

متأسفانه بسیاری از دانش‌آموزان از قانون عدم تنبیه و اخراج نشدن از مدرسه آگاه هستند و با توجه به اینکه تنبیه بدنی او در مدرسه جرم است، کسی حق ندارد از او تکلیف یا جریمه بیش از اندازه یا حتی معقول بخواهد، و اخراج و محرومیت او از تحصیل نیز امری محال به نظر می‌رسد، به خود اجازه می‌دهد تا اندک قوانین و سختگیری‌های موجود در مدرسه‌ها را نادیده بگیرد و به همه چیز حتی حرمت معلم تعدی کند.

یکی دیگر از عوامل سبب گستاخ شدن دانش‌آموزان کاردانش، فشار مدیران به معلمان است. به این معنی که مدیران مدرسه‌ها به منظور

بسیاری از ناهنجاری‌های دانش‌آموزان کاردانش از خانواده‌ها و نداشتن شناخت کافی و لازم آن‌ها از شاخه کاردانش سرچشمه می‌گیرد. سپس در برخورد با محیط‌های اجتماعی این ناسازگاری‌ها شدید می‌شوند و به‌صورت رفتار ناهنجار خود را نشان می‌دهند



۲. همکاری و همراهی معلمان

به گفته برادبورن (۱۹۶۹)، معلمی که رفتاری دوستانه با دانش‌آموز دارد، باعث فعال‌تر شدن و افزایش عزت‌نفس او می‌شود و سازگاری اجتماعی او را بالا می‌برد. همچنین براساس تحقیقات رایبیز، معلمی می‌تواند رفتار و هیجان‌های دانش‌آموز را کنترل کند که رفتار دوستانه‌ای با او داشته باشد و او را درک کند. همچنین، میزان خلاقیت و عزت‌نفس آنان را افزایش دهد و رفتارهای نامطلوب و ناسازگارش را مهار سازد [آدین و موسوی، ۱۳۹۰؛ ۱۸۷]

معلمان با درایت، قاطع و دقیق در موقعیت‌هایی که مستلزم مدیریت و کنترل رفتار است، سریع و با اطمینان واکنش نشان می‌دهند. این معلمان معتقدند که قاطعیت در کلاس بیشترین منافع را برای دانش‌آموز دارد. در پژوهشی که به سفارش آموزش‌وپرورش استان اصفهان انجام گفت، معلم‌محوری و حاکمیت جو مکانیکی عامل مؤثری در شکل‌گیری و تقویت پیامد پنهان اطاعت‌پذیری در دانش‌آموزان تشخیص داده شد. در نظام آموزشی به‌ویژه متوسطه، تبعیت و اطاعت دانش‌آموزان باید همراه با انتخاب آگاهانه و آزادانه باشد [علیخانی و

آنان از فرزندانشان (با ۸۲ درصد) در مرتبه دوم، و دلگرمی به قوانین نامعقول مدرسه (با ۷۶ درصد) در مرتبه سوم قرار می‌گیرد.

ب) راهکارها و کارکردهای مؤثر در مواجهه با دانش‌آموز ناسازگار

برای گرفتن نتیجه بهتر و رفع ناسازگاری‌های دانش‌آموزان می‌توان راهکارها را به دو بخش خانواده و مدرسه تقسیم کرد:

۱. تکیه به خانواده و نقش بازدارنده و تأثیرگذار آن بر فرزندان

دارا بودن خانواده و تکیه به آن، بیش از همه بر سازگاری‌های فرد اثر می‌گذارد و نه تنها رفتار سازشی و بهنجار، بلکه رفتارهای نابهنجار افراد را شکل می‌دهد [مینوچین، ۱۳۷۵]. آموخته‌های نوجوان ارتباط مستقیمی با عملکرد و محتوای محیط خانواده دارد که دربرگیرنده عواملی از قبیل رفاه خانواده، تحصیلات والدین، رشد اخلاقی خانواده، نحوه برقراری ارتباط بین اعضا، مناسب بودن مقررات خانواده، نحوه برخورد خانواده با مشکل و رفع نیازهای عاطفی است [استفان و بالدوین، ۱۹۸۳]. بنابراین می‌توان گفت که عملکرد سالم و بهنجار خانواده است که زمینه رفتارهای سالم را در نوجوان ایجاد می‌کند. به‌خصوص در دانش‌آموزان دختر توجه به شرایط خاص دوران رشد بسیار اهمیت دارد. لذا، کمترین بی‌توجهی والدین و عملکردهای نامطلوب خانواده باعث ایجاد ناسازگاری و رفتارهای ناهنجار می‌شود.

در این حالت اولیای دانش‌آموزان ناسازگار باید پاسخ‌گوی رفتار و کردار آن‌ها باشند و مسئولیت رفتار زشت و زنده آن‌ها را در مدرسه بپذیرند و رفتار و کردار آنان را تحت کنترل درآورند. براساس تحقیقات انجام گرفته در انگلستان، به‌کارگیری قوانین سختگیرانه، پرداخت جریمه‌های نقدی، مبارزه جدی با دانش‌آموزان ناسازگار، و بالا بردن کیفیت رفتاری نسل جدید در مدرسه‌ها جزئی از قوانین این کشور است. بدون شک وقتی قوانین سختی در مورد سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان اجرا شود، خانواده‌ها بر رفتار آنان نظارت بیشتری می‌کنند و در تعلیم و تربیت فرزندان خود از ابتدا می‌کوشند.

منابع

- آذین، احمد و موسوی، محمود (۱۳۹۰). «بررسی نقش عوامل آموزشگاهی بر سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان مقطع متوسطه (شهرستان فردوس شهر) سال ۱۳۸۸». مجله جامعه‌شناسی کاربردی. شماره اول.
- ازهای، جواد و همکاران (۱۳۹۱). «بررسی اثربخشی درمان شناختی- رفتاری گروهی، معنی درمان گروهی و تلفیق آن‌ها بر افزایش سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان ناسازگار». فصل‌نامه روان‌شناختی، پژوهش در سلامت. شماره سوم.
- اصغری‌پور، حمید و دیگران (۱۳۹۲). مشاوره با دانش‌آموزان در مدارس (مهارت‌ها و کاربردها برای معلمان). نشریه ورا دانش. تهران.
- امیری، مصطفی. (۱۳۸۱). انضباط دقیق از طریق قاطعیت، اظهار وجود و ایجاد قوانین کلاسی. فصل‌نامه تربیت. شماره اول.
- بیابان‌گرد، اسماعیل (۱۳۷۴). برقراری نظم و انضباط در کلاس و مدرسه. نشریه پیوند. شماره ۱۹۲.
- رجبی، غلامرضا؛ چهاردولی، حجت‌اله؛ عطاری، یوسفعلی (۱۳۸۶). «بررسی رابطه عملکرد خانواده و جو روانی- اجتماعی کلاس با ناسازگاری دانش‌آموزان دبیرستانی شهرستان ملایر». مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی. شماره ۱ و ۲.
- فرجاد، محمدحسین (۱۳۷۵). آسیب‌شناسی اجتماع و جامعه‌شناسی انحرافات. انتشارات بدر. تهران.
- علیخانی، حسین و مهرمحمدی، محمود (۱۳۸۴). بررسی پیامدهای روابط اجتماعی پنهان آموزشگاه بر رفتار دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر اصفهان. نشریه آموزه. شماره بیست و ششم.
- گینات، هایم (۱۳۹۱). معلم و دانش‌آموز. ترجمه ساوش سرتیپی. انتشارات علم. تهران.
- مینوچین، سالوادور. (۱۳۷۵). خانواده و خانواده درمانی. ترجمه باقر ثنائی‌ذکر. انتشارات امیرکبیر. تهران.
- Bradburn, N.M. (1969). The structure of psychological well being. Chicago, Adinc publishing company.
- Kiesner, J. & Kerr, M. (2004). Families, peers, and contexts as multiple determinants of adolescent problem behavior. Journal of Adolescence, 27, 493-495.
- Epstein, N.B., Baldwin, L.M., & Bishop, D.S. (1983). The McMaster Family Assessment Device. Journal of Marital and Family Therapy, 9, 171-180.

مهر محمدی، ۱۳۸۴: ۵۳]. به‌کارگیری تشویق در کنار تنبیه می‌تواند دانش‌آموز ناسازگار را آرام کند و براساس اطاعت‌پذیری او را به محیط آموزشی با رقابت سالم برگرداند.

همان‌گونه که بیشترین عوامل ناسازگاری از خانواده نشئت می‌گیرند، بیشترین راهکارها برای بهبود پرخاشگری و ناسازگاری‌ها نیز از طرف خانواده‌ها اتخاذ می‌شوند. ذکر این نکته الزامی است که تعامل و هم‌پاری خانواده با مدرسه عاملی بسیار تأثیرگذار در این حیطه محسوب می‌شود و هیچ‌کدام از این دو عامل نمی‌توانند به تنهایی در رفع ناسازگاری‌های دانش‌آموزان مؤثر واقع شوند.

ارزیابی سؤالات پژوهش

براساس پژوهش انجام پذیرفته، ارزیابی سؤالات به شرح زیر است:

سؤال اول: براساس پژوهش انجام شده، خانواده بالاترین تأثیر و نقش را در ناسازگاری دانش‌آموز دارد. دانش‌آموزی که در خانواده‌ای با طبقه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بالا زندگی می‌کند، رفتاری اطاعت‌پذیر، سازگار و با انگیزه‌تر نسبت به دیگر دانش‌آموزان رشته‌های کاردانش دارد و با توجه به موارد ذکر شده، این دانش‌آموزان با آگاهی و انگیزه به این رشته‌ها تمایل نشان می‌دهند.

سؤال دوم: نظام آموزشی و معلمان می‌باید در ابتدا با برگزاری آزمون‌های ورودی برای رشته‌های کاردانش، انگیزه دانش‌آموزان را بسنجند و سپس مشکلات دانش‌آموزان ناسازگار و پرخاشگر را ارزیابی کنند و با ایجاد فرصت و به‌کارگیری تشویق و هم‌پاری دانش‌آموزان این معزل را برطرف سازند. در بسیاری از موارد، دانش‌آموز نسبت به شرایط موجود انعطاف نشان نمی‌دهد و اطاعت و تعامل را نمی‌پذیرد. ادامه این وضعیت پیامدهای منفی و تأثیرگذاری بر دیگر دانش‌آموزان خواهد داشت. در این وضعیت نظام آموزشی و معلمان باید اختیار عمل داشته باشند تا با به‌کارگیری ترفندهای خاص خود بکوشند سازگار کردن دانش‌آموز را سازگار کنند و به محیط آموزشی برگردانند. برای برقرار کردن این آرامش در مدرسه‌ها همکاری خانواده‌ها و مدیران اجرایی الزامی است که متأسفانه در اکثر موارد مشاهده نمی‌شود. نتایج نشان می‌دهند که اقتدار معلم و نظام آموزشی، آگاهی دانش‌آموزان از توانایی‌های آن‌ها، جلب رضایت معلم و موفقیت در ارزشیابی‌های تحصیلی، و

... در سازگاری دانش‌آموزان نقش اساسی دارد.

نتیجه‌گیری

تعلیم و تربیت صحیح در خانواده و عوامل مرتبط با آن، چون اقتصاد، تحصیلات، ارتباط میان نوجوان با پدر و مادر و ... ابتدایی‌ترین و مؤثرترین عامل در ناسازگاری دانش‌آموزان به‌شمار می‌آیند. سپس جامعه و نظام‌های آموزشی و عوامل مرتبط با آن‌ها، در مرحله دوم در این ناسازگاری و پرخاشگری‌ها تأثیرگذارند. براساس نتایج تحقیقات به‌عمل آمده و مصاحبه‌های انجام شده، بسیاری از ناهنجاری‌های دانش‌آموزان کاردانش از خانواده‌ها و نداشتن شناخت کافی و لازم آن‌ها از شاخه کاردانش سرچشمه می‌گیرد. سپس در برخورد با محیط‌های اجتماعی این ناسازگاری‌ها شدید می‌شوند و به‌صورت رفتار ناهنجار خود را نشان می‌دهند. در بسیاری از هنرستان‌های کاردانش، به‌دلیل ناسازگاری و کم‌استعدادی برخی دانش‌آموزان در محیط کلاس، کارایی دانش‌آموزان بانگیزه و علاقه‌مند به یادگیری نیز رو به افول می‌رود.

از وظایف هنرآموزان کاردانش تعلیم آموزش‌های هدف‌دار در راستا و شناخت استعداد هر دانش‌آموز، ایجاد تنوع و نوآوری در انجام و تکرار تمرین‌ها، کاربرد مهارت تشویق در کنار تنبیه، و توجه به ارزشیابی‌های مناسب تشخیصی، مرحله‌ای و پایانی در تدریس است. از دیدگاه هایم گینوت و مک لاگلیسن (۱۹۹۹)، معلمان بهترین و با این صلاحیت‌ترین گزینه برای کمک به دانش‌آموزان ناسازگار و نابهنجار هستند؛ زیرا زمان بسیاری را با دانش‌آموزان در تعامل بوده و رفتارهای خاص آن‌ها را مشاهده کرده‌اند و در رشد اجتماعی و عاطفی دانش‌آموزان تأثیرگذار هستند. نظام آموزشی و معلمان می‌توانند راه‌حل‌های صحیحی برای رفع مشکلات رفتاری دانش‌آموزان ناسازگار ارائه دهند، اما این در شرایطی است که آن‌ها اختیار عمل داشته باشند و درگیر قوانین دست و پاگیر نباشند. بسیاری از کارشناسان بر این باورند که یکی از راه‌های مؤثر برای رسیدن به سازگاری اجتماعی، همکاری و هم‌پاری خانواده‌ها و بهره‌مندی از تشویق، تنبیه، جریمه، اخراج از مدرسه و ... است تا معلمان بتوانند دانش‌آموز ناسازگار را در مدرسه و کلاس کنترل کنند.